پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۱ زمستان ۱۳۹۹

No.41 Winter 2021

۳۵-۵۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

بررسی کتیبه‌های حکومتی شمال شرق ایران در دوره صفوی با تأکید بر موضوعات اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد)

مانا فرامرزی: کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ایران (manafaramarzi54@gmail.com)

حسن نامی: استادیار، گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ایران (hasan_nami20@yahoo.com)

پرستو مسجدی خاک*: استادیار، گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ایران

چکیده

شاه اسماعیل با پایه‌گذاری سلسله صفوی و اعلام مذهب شیعهٔ اثناعشری، سیاست جداسازی ممالک خود از ازبکان و عثمانیان سنی مذهب را در پیش گرفت. شاهان صفوی در دوران حکمرانی، فرمان‌های بسیاری صادر نمودند، اما در برخی از این فرمان‌ها با تأکید بر نقر نمودن بر سنگ و برای اطلاع عموم، دستور بر نصب آن در مکانی به اقتضای موضوع فرمان، صادر می‌شد. در این سنگ‌فرمان‌ها به موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته شده است. تعداد زیادی از این فرمان‌ها پیرامون موضوعات اقتصادی می‌باشد که در اکثر نقاط ایران به‌فرمان شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس اول بر سردر مکان‌های پر رفت‌وآمد که در انظار عموم باشد، نصب گردیدند. در این پژوهش، ۹ سنگ‌فرمان دوره صفوی در شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد موردمطالعه قرار گرفت. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که محل نصب این سنگ‌فرمان‌ها کجا بوده و دربردارنده چه موضوعاتی هستند؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این سنگ‌فرمان‌ها عموماً در بخش سردر ورودی مساجد نصب‌شده‌اند و موضوعاتی همچون بخشودگی مالیاتی، تخفیف دروازه‌بانی، منع پیشکش ورود حکام، منع تعدی و منع ورود به خانه‌های مردم توسط مأموران حکومتی، منع دریافت مزد بابت غسل و دفن مردگان شیعه، حمایت از مشاغل (جماعت فراشان، کهنه‌چینان، گاوکشنده، چوپانان، ماماچه‌گان، مشاطه‌گان، مغنیان، لولیان، شبانان، سودمالان، ترک‌طبیبان، زارع)، حمایت از اقوام مختلف (ابدال‌لو، بغدادلو، هندویان)، ازجمله اهداف صدور این فرمان‌ها بوده است. همچنین به موضوعاتی همچون مناصب دولتی (وزیر، وزیر خراسان، حکام، دیوان‌اعلی، مستوفی، داروغگان)، نظامی (قورچیان، غلامان، ملازمان)، طبقات اجتماعی و اداری (سادات، حاکمان، تیول‌داران، همه‌ساله‌داران، مستأجران و صاحبان جامعه) و طوایف مختلف (افغان، بلوچ، ترکمان، ازبکان) اشاره شده است که تا حدودی به ارائه اطلاعاتی از جامعهٔ طبقاتی و اوضاع اقتصادی دورهٔ صفوی پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: صفویه، خراسان، سنگ‌فرمان، بخشودگی مالیاتی، طبقات اجتماعی

Abstract

Shah Ismail I founded the Safavid Empire. Announcing the Twelve Shiite religion, he separated his country from the Uzbeks and Sunni Ottomans. Safavid rulers had issued many charges during their kingship, but some of these charges were specially carved on the stones and, according to the subjects of the charges installed in the proper places in order to inform the public. These charges include a variety of issues such as social, cultural. and economic ones. Many of these lithographs were about financial problems and were installed in crowded places by order of Shah Tahmasb I and Shah Abbas I. In this study, 9 lithographs of the Safavid period were investigated in Neishabur, Sabzevar, Torbate-Jam, and Mashhad. The research questions are: 1) what are the subjects of the lithographs of Neishabur, Sabzevar, Torbate-Jam, and Mashhad? And 2) where were the places of the installation of these lithographs? The results of this study showed that the subject of a large number of lithographs is related to national tax exemption, discount to the city's gate guards, prohibition of entering to the houses of people by state forces, prohibition of receiving money for Shiite burial, supporting the tribes (including Abdal-Lou, Baghdadlou and Hendouyan), and supporting business owners (like Jamaate Farashan, Gav Koshan, kohne chian, Mashategan, Tork Tabiban, Soudmalan, Shabanan, Lolian, Moghanian, Mamachegan). These lithographs also refer to court positions and ministerial posts (the minister of Khorasan, Mostofian) military positions (like Ghurchian), and social and administrative classes (like Sayyids, rulers, feudalism, Hamesaldaran, tenants) whci provide a valuable source of information for understanding the social and economic situations of the society in Safavid period. At last, these lithographs were generally installed in the entrance section of mosques.

Keywords: Safavid, inscription, Khorasan, national tax exemption, social classes

*نویسنده مسئول مکاتبات: (parastomasjedi@yahoo.com)

مقدمه

انضمام خراسان به دولت صفوی، واقعه‌ای است که از نظر تاریخ فرهنگ تأثیر بسزایی داشته است (هینتس، ۱۳۶۱: ۱۵). خراسان در دوره صفوی به‌واسطۀ موقعیت خاص مرزی، همواره مورد حمله و فشار همسایگان افغان و به‌ویژه ازبکان قرار داشت و در منابع نیز به این حملات اشاره شده است. یکی از آثار ارزشمند قرن دهم هجری خطابه نوشته‌شده روی سنگ در ارتباط با فتوحات محمدخان شیبانی به سال ۹۱۵ق، در مشرق دشت توس، مجاور روستای «پن‌منه» و کنارۀ دره کارده است که با خطی برجسته نگارش شده است (لباف‌خانیکی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). کتیبه دارای ده سطر و طول هر سطر تقریباً یک متر و قد سنگ‌نبشته نیز به یک متر و نیم می‌رسد. این کتیبه به خط ثلث درشت و خوانا نوشته شده است؛ اما به سبب گذشت پانصد سال از عمر آن و آسیب‌های دیده، قرائتش برای همگان آسان نیست (سیدی، ۱۳۷۳: ۹۰). مشخص است که مقصود از «یادگارخانی»، نام ابداعی شیبک‌خان ازبک برای شهر باستانی توس بوده است که در سال ۹۱۵ق، دستور تجدید امارت و بازسازی آن را داده است. این کتیبه نشان می‌دهد که شیبک‌خان در ابتدای سال ۹۱۶ق به حوالی توس آمده، اما چون خبر حملۀ شاه‌اسماعیل صفوی را شنیده است «بیانیۀ» مزبور را به‌جا گذاشته و به مرو عقب‌نشینی کرده است (همان: ۹۱). از این زمان شاه‌اسماعیل خراسان را تصرف کرد. در زمان شاه‌طهماسب اول به سال ۹۳۵ق نبردی با ازبکان در خراسان رخ داد و پس از او در دوره حکومت شاه‌اسماعیل دوم اقدام خصومت‌آمیزی از سوی ازبکان بر علیه صفویان انجام نگرفت (غفاری‌فرد، ۱۳۷۶: ۱۹۹) تا زمان حکومت شاه‌عباس اول که حملات عبدالله‌خان و عبدالمؤمن‌خان ازبک به خراسان از سرگرفته شد. روابط ایران با سلاطین ماوراءالنهر که در دوران سلطنت شاه‌عباس اول با نزاع شروع شده بود، در نهایت با صلح و دوستی پایان یافت؛ اما مصالحه میان صفویان و ازبکان بسیار دیر و پس از حدود صد و پانزده سال جنگ و خونریزی و سه جنگ بزرگ مرو، جام و رباط‌پریان انتزاع قطعی خراسان از ازبکان رخ داد (غفاری‌فرد، ۱۳۷۶: ۳۱۴، ۳۱۷). در اوایل سلطنت شاه‌عباس دوم، خراسان و نیشابور شاهد استقبال رسمی از پادشاهان ازبک بود و این استقبال به فرمان شاه‌عباس دوم صورت گرفت. باتوجه به آنچه گفته شد، خراسان در دوره صفوی گاه توسط همسایگان خود مورد هجوم قرار می‌گرفت و شاهان صفوی به منظور اداره این بخش از کشور و با توجه به شرایط، اقدام به صدور فرامینی می‌کردند. این فرمان‌ها دارای اطلاعات سودمندی از جامعه و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دورۀ صفوی است. این فرمان‌ها به دستور شاه باید به خطی خوش بر سنگ حک‌شده و در مکانی پر رفت‌وآمد نصب می‌شدند.

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعه سنگ فرمان‌ها پژوهش‌های چندی صورت گرفته است که ازجمله می‌توان به مقاله افشار با عنوان *سه فرمان و یک حکم مربوط بفزد* اشاره کرد که نویسنده در آن به بررسی ۴ حکم از دوره صفوی پرداخته است. افشار در مقاله دیگری با عنوان *کتیبه‌ای از قرن ششم در خرانق اطلاعی مهم از گذرگاه حضرت ثامن‌الائمه* به بررسی کتیبه سنگی در بقعه‌ای در خرانق پرداخته است. کریمیان و بیدگلی در مقاله‌ای با عنوان *معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمان‌های حکومتی منقور بر سنگ (مطالعه موردی: اصفهان، یزد و کاشان)* به بررسی سنگ فرمان‌های سه شهر اصفهان، یزد و کاشان دورۀ صفوی پرداخته‌اند. حسینی زاده در مقاله‌ای با عنوان *نگاهی توصیفی و تحلیلی به سنگ‌نبشته‌های موجود در مسجد جامع کبیر یزد* به مطالعه و دسته‌بندی سنگ‌نبشته‌های مسجد جامع یزد پرداخته است. خسروی در مقاله‌ای با عنوان *وقف نامه‌های سنگی خوانسار (سنگ‌نبشته‌ای موقوفات خوانسار)* به بررسی ۵ سنگ‌نبشته شهرستان خوانسار اصفهان پرداخته است. اقتداری در مقاله‌ای با عنوان *فرمانی از شاه‌طهماسب صفوی درباره صابخونه‌های تبریز* به بررسی فرمان شاه‌طهماسب صفوی درباره صابونخانه‌های تبریز پرداخته است. دانش یزدی در مقاله‌ای با عنوان *تحلیل فرهنگ وقف در دوره صفوی (به استناد کتیبه‌های سنگی در بناهای اسلامی شهر یزد)* باتوجه به کتیبه‌های سنگی بناهای اسلامی شهر یزد به تحلیل فرهنگ وقف در دوره صفوی پرداخته است. در این مقاله به بررسی

سنگ‌فرمان شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد پرداخته شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. سؤالات این پژوهش عبارت است از: سنگ‌فرمان‌های دوره صفوی در شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد دربردارنده چه موضوعاتی است؟ محل نصب آن‌ها کجا است؟ پیش از این مطالعات انجام‌یافته بر اسناد دولتی و وقفنامه‌های دوره صفوی بیشتر قسمت مرکزی و غرب کشور را دربرمی‌گرفت. باوجود آنکه این فرمان‌ها در اکثر شهرهای پررونق ایران یافت می‌گردند، اما گردآوری مجموعه‌ای از سنگ‌فرمان‌های صفوی در شرق ایران، در چهار شهر مهم عصر صفوی (نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد)، کمتر به چشم می‌خورد. این نوشتار ضمن امکان گردآوری سنگ‌فرمان‌ها در محدودۀ جغرافیایی ذکرشده، امکان به‌دست آوردن اطلاعاتی سودمند از جامعۀ شهری عصر صفوی را فراهم می‌کند. تمامی فرمان‌های پادشاهان و حکام صفوی موجود در شهرهای مورد مطالعه (۹ فرمان) شناسایی و بررسی شد. در سنگ‌فرمانی که مفقود شده است نیز با مراجعه به اولین منبع معتبر، متن آن ذکر گردید و در کتیبه‌هایی که به علت سایش در سال‌های گذشته، امکان قرائت آن به‌آسانی فراهم نبود، متن آن با استناد به قرائت محققینی همچون تاج‌محمدی معرفی گردیده‌اند (تاج محمدی، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۱). در این پژوهش با مطالعه فرمان‌ها به بررسی شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی در شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت جام و مشهد پرداخته شده است.

پراکندگی جغرافیایی فرمان‌ها

امروزه فرمان‌های حکومتی دورۀ صفوی در شهرهای مختلف ایران توسط پژوهشگران شناسایی و موردبررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر منطقۀ شرق ایران و چهار شهر نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد متمرکز شده است. گستردگی خراسان بزرگ و حملاتی که در این ناحیه از سوی همسایگان شرقی صورت گرفت، باعث توجه شاهان صفوی به منطقه شرق ایران شد و فرامینی از طرف آنها صادر و در این شهرها نصب گردید. در این پژوهش به فرمان‌های حکومتی در چهار شهر مهم خراسان (نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد) پرداخته شده است. از مجموع ۹ سنگ‌فرمان موردمطالعه، ۲ فرمان در نیشابور، ۲ فرمان در مشهد، ۴ فرمان در سبزوار و ۱ فرمان در تربت‌جام قرار دارد. از میان این فرمان‌ها، دو فرمان متعلق به شاه‌عباس اول، یک فرمان متعلق به شاه‌طهماسب اول، یک فرمان متعلق به شاه‌طهماسب دوم، دو فرمان متعلق به شاه سلیمان، یک فرمان متعلق به شاه‌صفی است؛ دو فرمان نیز توسط حکام صفوی به نام‌های حسنعلی زنگنه و محمدامین صادر شده است.

موقعیت مکانی و فضای نصب سنگ‌فرمان‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد که سنگ‌فرمان‌های دورۀ صفویه موردمطالعه، در بخش ورودی (ورودی اصلی، سردر و دالان) مساجدجامع، مقبره، مدرسه و کاروانسرا نصب گردیده‌اند (جدول ۱). در متن دو عدد از این فرمان‌ها، پس از آنکه به حجاری فرمان بر سنگ تأکید شده، محل نصب آن نیز در فرمان ذکر شده است (فرمان شاه‌طهماسب اول در سبزوار با دستور نصب بر مکان بلند پر رفت‌وآمد و فرمان شاه‌صفی در تربت‌جام با دستور نصب بر مسجدجامع).

گاهنگاری سنگ‌فرمان‌ها: سنگ‌فرمان‌های موردبحث در این پژوهش محدودۀ زمانی قرن دهم تا قرن دوازدهم هجری را در برمی‌گیرد که قدیمی‌ترین آن فرمان شاه‌طهماسب اول (۹۷۹ق) و متأخرترین آن فرمان شاه‌طهماسب دوم و محمدامین حاکم صفوی (۱۱۳۶ق) در مسجد جامع سبزوار است (جدول ۱).

جدول ۱: گاهنگاری و پراکندگی سنگ‌فرمان‌های موردمطالعه (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نام پادشاه	تاریخ سنگ‌فرمان	محل نصب	تعداد
۱	شاه‌طهماسب اول	۹۷۹ ق	مسجدجامع سبزوار	۱
۲	شاه‌عباس اول	۱۰۲۱ق	مسجدجامع نیشابور	۲
۳	شاه‌صفی	۱۰۴۶ق	مقبرۀ قاسم انوار تربت‌جام	۱
۴	شاه‌سلیمان	۱۰۷۷ق	مدرسه علمیه مشهد	۱

۵	شاه‌سلیمان	۱۰۹۱ق	کاروانسرا مشهد	۱
٦	شاه‌طهماسب دوم	۱۱۳٦ق	مسجدجامع سبزوار	۱
۷	محمدامین	۱۱۳٦ق	مسجدجامع سبزوار	۱
۸	حسن‌علی زنگنه	بی‌تاریخ	مسجدجامع سبزوار	۱

معرفی سنگ فرمان‌های شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد

سنگ‌فرمان‌های نیشابور

مسجد جامع نیشابور: پهلوان علی کرخی واقف و بانی این بنا است که در سمت شمال‌شرقی مسجد دفن شده است و از طریق دو ردیف پله که به زیرزمین راه دارد می‌توان به قبر بانی بنا رسید. تاریخ بنای این مسجد ۸۹۹ق نوشته شده است. این مسجد دارای دو فرمان از شاه‌عباس اول است که در سردر ورودی اصلی مسجد نصب‌شده‌اند.

سنگ‌فرمان شمارۀ ۱: سنگ‌فرمان سمت راست ورودی اصلی مسجدجامع، به تاریخ ۱۰۲۱ق است. این فرمان با عبارت «حکم جهان مطاع شد» آغاز می‌شود. مضمون فرمان در ارتباط با تخفیف مالیاتی برای اصناف نیشابور است که در شرایط نامطلوب اقتصادی به‌سر می‌بردند و ابوالمعالی نیشابوری این نابسامانی را به اطلاع شاه‌عباس رسانده است و در نتیجه این فرمان به دستور شاه‌عباس صادر شده‌است. این فرمان به خط نستعلیق با ابعاد ۵۸ در ۱۰۴ در ۹ سطر بر سنگ نقر شده‌است.

شماره ۱

صادرکننده فرمان: شاه‌عباس اول

تاریخ صدور: ۱۰۲۱ق، محل نصب: مسجد جامع نیشابور (فرمان سمت راست ورودی اصلی)

متن:

شرایف محمدت بی‌غایت و لطایف اثنیه بی‌نهایت خالقی را سزد که نقاط بدایع و رقوم صنایع را بامر کن از حیز عدم بفضای وجود آورده. حضرات ملوک ذوی‌الاقتدار را از میانه کافه برایا بصفت جلالت و اختیار موصوف گردانیده بشیوه عدل و احسان مأمور نموده و صلوات بی‌انتها بر حضرت افضل رسل و هادی سبل خیر المرسلین و رحمه للعالمین و شفیع المذنبین محمد الانی المدنی و آل اطهار او علیهم من الصلواه افضلها اما بعد بتاریخ شهر رمضان المبارک سیچقان ئیل سنه ۱۰۲۱ که ولایات خراسان مضرب سرادقات جاه و جلال بندگان اعلیحضرت نواب اشرف اقدس ارفع سلیمان مکان ظل سبحان متبوع اعاظم خواقین دوران و قبله افاخم اساطین جهان قاید عسکر المهدی صاحب‌الزمان علیه صلواه الله الملک المنان ابو المظفر شاه‌عباس الصفوی الحسینی بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه گشته و اهالی و رعایا و عجزه ولایت نیشابور را مشمول عواطف بی‌کران گردانیده کیفیت احوال اهل ان دیار را از سیادت و نقابت پناه نجابت و هدایت دستگاه ناصر اللسیاده و النقابه والدین امیر ابوالمعالیا نیشابوری[1] که در این وقت در رکاب فیروزی انتساب مورد تلطفات حضرت ضل اللهی بود استفسار نمودند و نقابت پناه مشارالیه صورت پریشانی احوال اهل آن دیار را معروض داشته، در باب رفاه حال ایشان احکام مطاعه لازم الاطاعه نافذ گشت. حکم جهان مطاع شد[2] آنکه در ینوقت بنا بر عنایت بیغایت شاهانه و لطف بلا نهایت پادشاهانه دربارهٔ محترفه[3] بلده نیشابور از ابتدای چهارماهه سیچقان‌ئیل مال، اصناف محترفه بلده مذکور را سوا جهات قسطی بتخفیف و تصدق مقرر فرمودیم. بنابرین حکام و داروغگان و کلانتران و عمال بلده مذکوره اصناف مزبور را مرفوع القلم دانسته یکدینار و یکمن بار به علت مال اصناف مذکور و اخراجات خلاف حکم به‌هیچ‌وجه من‌الوجوه توجیه ننموده طلب ننمایند و مال و جهات قسطی را موافق حساب باز یافت نمایند که بتخفیف مقرر نشده مستوفیان

۱. امیر ابوالمعالیا نیشابوری: ابوالمعالی نیشابوری از سادات بلندپایه و نامدار و از معتمدان خاص بود (گرایلی، ۱۳۷۴: ۱۷۹-۱۷۸).

۲. حکم جهان مطاع شد: عبارات طغرای به‌کاررفته در سنگ فرمان‌های موردمطالعه.

۳. محترفه: پیشه‌وران و صنعت‌گران (سیوری، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

عظام کرام دیوان‌اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود[1] ثبت نموده و بتخفیف و تصدق عمل نمایند و از تاریخ مذکور مسوده‌ی[2] آن را مؤکد بلعنت نامه نمایند[3] و در عهده دانند تحریراً فی تاریخ سنه ۱۰۲۱ احدی و عشرین و الف (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۱: سنگ‌فرمان سمت راست ورودی اصلی مسجدجامع نیشابور متعلق به شاه‌عباس اول صفوی (مأخذ: نگارندگان)

سنگ‌فرمان شمارهٔ ۲: سنگ فرمان دوم به تاریخ ۱۰۲۱ق، در سمت چپ ورودی اصلی مسجد جامع نیشابور قرار دارد و متعلق به شاه‌عباس اول است. فرمان با عبارت «حکم جهان مطاع شد» آغاز می‌شود. این فرمان به دو موضوع اشاره دارد: بخشیدن دروازه‌بانی یا مالیات دروازه‌ای به منظور رونق تجارت؛ موضوع دوم: سپاهیان و مأموران دولتی حق مزاحمت و وارد شدن به منازل مردم را ندارند. این فرمان به خط نستعلیق و در ابعاد ۵۸ در ۱/۲۰ و در ۷ سطر بر سنگ نقر شده است.

شمارهٔ ۲

صادرکنندهٔ فرمان: شاه‌عباس اول.

تاریخ صدور: ۱۰۲۱ق، محل نصب: مسجدجامع نیشابور (فرمان سمت چپ).

متن: الحمدالله لله و الصلوة علی نبیه و آله و عترته اجمعین اما بعد اینست صورت احکام مطاعه که در باب رفاه حال رعایا و عجزه نیشابور عز صدور یافته اولا حکم جهان مطاع شد آنکه درین وقت شمه از عواطف بینهایت شاهانه و شر ذمه از الطاف بیغایت خسروانه شامل حال و کافل امانی و آمال جمیع جمهور رعایا و متوطنین و سکنه بلده نیشابور فرموده از ابتدای چهار ماهه سیچقان‌ئیل دروازه‌بانی بلده مذکوره بتخفیف و تصدق مقرر فرمودیم که من‌بعد احدی بدین علت یکدینار و یکمن بار را کسی خصوصا تجار ایتده و رونده طلب ننماید. بنابرین حکام و داروغکان و متصدیان امر مذکور را بتخفیف و تصدق عمل نموده و یکدینار و یکمن بار طلب و توقع ننموده (خوانده نشد) از اینده و رونده طلبی ننمایند مستوفیان[4] عظام کرام دیوان اعلی[5] این عارفه را درباره کافه متوطنین الکا مذکور مخلد و بردوام دانسته در دفاتر خلود مؤکد به لعنت‌نامه ثبت نموده از تیول تیول‌داران[6] وضع نمایند و من‌بعد بتیول عمل ننمایند خلاف کننده انرا مورد سیاست و غضب پادشاهی دانسته و درین ابواب غدقن

---

۱. دفاتر خلود: در دوره صفوی رونوشت کلیه ارقام و احکام و نشان‌ها و پروانه‌ها و اسناد را در دفاتری ثبت می‌کردند و به آن‌ها دفاتر خلود می‌گفتند و محلی را که این دفاتر در آنجا نگهداری می‌شد انبار دفترخانه دیوان اعلی و متصدی آنجا را «دفتردار» می‌نامیدند (بیدگلی، ۱۳۸۶: ۹۰).

۲. مسوده: مسوده پروانچ، هنگامی‌که مسوده (چرکنویس) فرمان‌ها تهیه می‌گردید، آن‌ها را با مهرمسوده مهمور می‌کردند که نشانه صحت مسوده و موافقت پادشاه با صدور فرمان بود (سمسار، ۱۳۷۴: ۶۸).

۳. مؤکد به لعنت‌نامه: مؤخره فرمان شامل تاریخ و دعای پایانی و ذکر محل است. گاهی فرمان‌های سیورغال عبارت کیفری نیز به همراه دارد که مخالفین را از عقوبت خداوندی می‌ترساند (بوسه، ۱۳۶۷: ۵۰-۴۹).

٤. مستوفی: اداره حسابداری (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۲۰).

۲. دیوان اعلی: در عصر صفوی، شاه تشکیلات قضایی را مقرر و معین می‌کرد. او به مأمورانی که مسئولیت قضایی نواحی کاملاً مشخصی را به آن‌ها واگذار کرده بود، متکی بود (فلور، ۱۳۸۱: ۳۹).

۳. تیول و تیولداران: در دوره صفویه اقطاعات به چند دسته کلی معین قسمت می‌شد و در مورد همه آن‌ها اصطلاح «تیول» به کار می‌رفت. در برابر اعطای تیول، تیولدار موظف بود که به سهم خود عده معینی سرباز آماده کند. اصطلاح تیول همچنین دلالت بر زمین‌هایی می‌کند که به‌جای حقوق به مأموران حکومت داده می‌شد. این تیول‌ها بر دو نوع بود: یکی تیول‌هایی که به‌طور دائم

کرده تخلف نورزند و در عهده دانند تحریرا فی تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۲۱ حکم جهان مطاع شد آنکه در این وقت شمه از عواطف بینهایت پادشاهانه شامل حال جمهور رعایا و متوطنین و سکنه نیشابور شده مقرر فرمودیم که هیچ آفریده از غورچیان[1] عظام و غازیان[2] کرام و ملازمان[3] و غلامان[4] و غیرذالک در خانه رعایا و سکنه بلده مذکوره نزول ننموده بهیچ‌وجه من الوجوه مزاحمت بحال ایشان نرسانند و اگر احدی تا غایت در خانه ایشان نزول کرده باشد بیرون رفته اصلاً و مطلقاً نزول ننمایند حکام و داروغکان و تیول‌داران و عمال بلده مذکوره حسب‌المسطور مقرر دانسته مجال تمرد احدی ندهند در این باب قدغن دانسته مؤکد بلعنت نامه شناسند مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی مسوده پروانچه اشرف در عهده شناسند تحریرا فی شهر رمضان سنه ۱۰۲۱(مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۲: سنگ‌فرمان سمت چپ ورودی اصلی مسجدجامع نیشابور متعلق به شاه‌عباس اول صفوی (مأخذ: نگارندگان)

سنگ‌فرمان‌های سبزوار

مسجد جامع سبزوار: در این مسجد علیرغم وجود کتیبه‌های متعدد، کتیبه‌ای که زمان ساخت اولیه بنا را مشخص کند، وجود ندارد. اعتمادالسلطنه بنا را متعلق به زمان سربداران ذکر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۰۴). این مسجد دارای ۴ سنگ‌نوشته متعلق به دورهٔ صفوی است؛ لازم به ذکر است که سنگ‌فرمان متعلق به حسنعلی زنگنه به تاریخ ۱۱۲۵ق مفقود شده است. این فرمان‌ها قبلاً در ورودی اصلی ایوان شمالی مسجد نصب شده‌بودند و در دورهٔ پهلوی اول باتوجه به توسعه خیابان، ورودی اصلی تخریب و مسجد کمی عقب‌نشینی کرد و کتیبه‌ها نیز به دالان شرقی انتقال یافتند (مولوی، ۱۳۸۲: ۳۹۹). در حال حاضر، سنگ‌فرمان شاه‌طهماسب اول (۹۷۹ق)، شاه‌طهماسب دوم (۱۱۳۶ق) و کتیبه معروف به التزام (۱۱۳۶ق)، در بخش ورودی شرقی، در یک ردیف کنار هم نصب گردیده‌اند (تصویر ٦).

سنگ‌فرمان شمارهٔ ۲: سنگ‌فرمان دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، متعلق به شاه‌طهماسب اول (۹۷۹ق) است. مضمون فرمان: باتوجه به‌آنچه در این فرمان آمده از مردم سبزوار بابت کفن و دفن مردگان مزد دریافت می‌شده است

وابسته به مقام و منصب بود و به همین سبب به مقامات عالی بابت حقوق و مواجب صاحبان آن تیول‌ها تعلق می‌گرفت، دیگر تیول‌هایی که هرسال از طرف اداره حسابداری (مستوفی‌الممالک) به اشخاص واگذار می‌شد. چنانچه محصول تیولی که به‌جای حقوق و مواجب به‌کی از مقامات داده بودند از مبلغ منظور کمتر می‌شد مباشر ولایت کسر مبلغ را جبران می‌کرد. بالعکس اگر محصول تیول از مبلغ منظور بیشتر می‌شد در این حال فرض قضیه این بود که مازاد را باید به خزانه بفرستند مگر در موارد استثنایی (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۲۰-۲۱۹).

٤. غورچیان: قورچی‌باشی یکی از اعضای دیوان مرکزی و فرمانده سواره‌نظام قبیله ترکمان موسوم به قورچیان بود (سیوری، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

٥. غازیان: غازیان ایل پازوکی یک قسم «مبارزان» پشتیبان سلسله صفوی نظیر صوفیان (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۵۸).

٦. ملازمان: قوایی که مستقیماً به دربار ارتباط داشته‌اند (برن، ۱۳۴۹: ۷۹).

۷. غلامان: این شاه‌عباس اول بود که با تشکیل غلامان خاصه شریفه که نیروی سوم در حکومت بود، شناسایی رسمی عطا کرد و بخش مهمی از تشکیلات اداری کشوری و لشکری را به آن‌ها واگذاشت. این غلامان بر پایه‌ی این‌که در کدام بخش از مؤسسات تازه بنیان غلامان ثبت‌نام می‌شدند و یا این‌که به خدمت خانواده سلطنتی درمی‌آمدند و یا در شعب گوناگون اداره خاصه به خدمت گرفته می‌شدند، آموزش و تربیت بایسته را فرامی‌گرفتند (سیوری، ۱۳۸۲: ۲۵۴).

و باتوجه به واجب کفایی بودن غسل و کفن اموات، به عمال و غسالان امر شده که بابت کفن و دفن از شیعیان پولی دریافت نشود و ثواب آن به چهارده معصوم هدیه شده است. شاه‌طهماسب، سادات و کدخدایان سبزوار را موظف دانسته تا این فرمان را بر سنگ نقش کنند و در مکانی مرتفع که محل رفت‌وآمد باشد نصب نمایند (قطعات شکسته شده سنگ‌فرمان از کتاب مطلع‌الشمس نقل‌شده است) (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳/ ۳: ۲۰۴) (تصویر ۳). این فرمان به خط ثلث در ابعاد ۸۵ در ۵۴ و در ۸ سطر بر سنگ نقر شده است.

شمارۀ ۳

صادرکنندۀ فرمان: شاه‌طهماسب اول

تاریخ صدور: ۹۷۹ق، محل نصب مسجد جامع سبزوار

متن:

سواد پروانچه اشرف اعلی(اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۰۴/۳). همیون شاهی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه تغییردهنده‌ی این حکم جهانمطاع بلعنت خدا و رسول گرفتار باد. فرمان همایون شد؛ آنکه چون غسل و دفن اموات واجب کفایی است و اخذ اجرت غسالی و گورکنی نامشروع است لهذا درین ولاشمه از مراحم بی‌نهایت شامل(حال شیعیان) (همان)، ولایت سبزوار گشته مال غسالی و گور کنی ازجمله وجوه رعیت‌خانه و ابواب جمع ولایت مذکور است از ابتدا همین سل تصدق فرمودیم و ثواب آن را بحضرات عالیات عرش مرتبات چهارده معصوم هدیه نمودیم که موافق شرع شریف عملنموده طلب اجرت از احدی ننمایند (و از جاده‌ی شریعت غرا[1] عدول و انحراف نورزند) (همان). سادات و ارباب و اهالی و کدخدایان ولایت مزبور حسب المسطور مقرر دانسته رقم این عطیه را بر سنگ نقش کرده (در محل مرتفع که عبور خلایق آنجا باشد. مؤکد بلعنت نامه نصب نمایند و خلاف کننده و تغییردهنده امر مذکور را از مردودان درگاه (الهی شناسند و عمال و متصدیان مهمات) (همان)، مالی و غسالی ولایت مذکور بر این موجب مقرر دانند و از ابتدا همین سل مطلقاً مال غسالی و گورکنی(را بتخفیف و تصدق مقرر دانستۀک دینار بدان علت بحواله ندهند و طلبی) و توقعی از مولانا محمدعلی سبزواری و سایر غسالان و گورکنان ولایت مذکور ندارند و)در این باب غدغن لازم شناسند و از جوانب بر این جمله روند و هرساله حکم مجدد طلب ندارند تحریرا فی پنجشنبه ذی‌قعده سنه نهصد و هفتاد و نه) قطعه‌های شکسته سنگ: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳/ ۲۰۴).



تصویر ۳: سنگ‌فرمان دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، متعلق به شاه‌طهماسب اول (مأخذ: نگارندگان).

سنگ فرمان شمارۀ ۴: سنگ فرمان دالان شرقی مسجد جامع سبزوار، فرمانی از شاه‌طهماسب دوم (۱۱۳٦ق) است؛ این حکم با بسم‌الله الرحمن الرحیم، بنده شاه ولایت طهماسب ثانی حکم جهان مطاع شد، آغاز می‌شود. در این فرمان بیان‌شده باتوجه به صدماتی که مردم سبزوار در نتیجه حملات افغان، بلوچ و ترکمان دیده‌اند، حاکم سبزوار نباید از

---

۱. غرا: سفید و روشن (معین، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

مردم پول یا پیشکش ورود دریافت‌کند (در آن دوره رسم بوده که حاکم جدید چنین پولی را از بزرگان و مردم آن شهر دریافت می‌کرده‌است) و از سرداران لشکری خراسان که در آن زمان بیگلربیگی نامیده می‌شدند خواسته‌شده که بر حاکم سبزوار نظارت داشته باشند تا مانع دریافت پیشکش ورود توسط حاکم شوند و خودشان هم حق تعرض به رعایای سبزوار را ندارند و هرسال رقم مجدد طلب نکنند (تصویر ۴).

باتوجه به تاریخ سنگ فرمان و سال ورود شاه‌طهماسب به خراسان (۱۱۳۹ق)، این فرمان در زمانی که شاه اصلاً در سبزوار نبوده صادر شده است. این سنگ‌فرمان منعکس کننده صدماتی است که افغان‌ها، بلوچان و ترکمان به سبزوار و نواحی اطراف رسانده‌اند. «شاید طهماسب اول می‌خواسته با این فرمان زمینۀ فراهم‌کردن لشکری را داشته باشد تا بتواند با آن لشکر به جنگ مخالفان برخیزد» (محتشم، ۱۳۸٦: ۵۴). این فرمان به خط نستعلیق در ابعاد ۳۰ در ۸۸ در ١٦ سطر بر سنگ نقر شده است.

فرمان شمارۀ ۴

صادرکنندۀ فرمان: شاه‌طهماسب دوم

تاریخ صدور: ۱۱۳٦ق، محل نصب: مسجدجامع سبزوار

متن:

بسم الله الرحمن الرحیم بنده شاه ولایت طهماسب ثانی حکم جهان مطاع شد آنکه چون از مخاذیل افغان و بلوچ و ترکمان صدمات بسکنه و متوطنین و رعایای دارالمؤمنین سبزوار واقع گردیده و بعلت وقوع سوانح مزبوره بر ایشان مراعات سکنه و رعایا و عجزه و متوطنین و رعایای دارالمؤمنین سبزوار واقع گردیده و بعلت وقوع سوانح مزبور برایشان مراعات سکنه و رعایا و عجزه و متوطنین دارالموممنین سبزوار از لوازم است. بنابراین مقرر فرمودیم که حکام الگای[1] مزبور بعلت پیشکش ورود و تلافی من‌بعد یکدینار و یکمن بار از ایشان مطالبه و دریافت و طمع و توقع ننموده حواله ننمایند و مزاحمت نرسانند و ایشانرا از پیشکش ورود و تلافی معاف دارند و مراعت احوال ایشانرا در مراتب مسطور بدارند و از فرموده تخلف نورزند و بعهده سرداران و بیگلربیگان خراسان و مشهد مقدس معلی که حسب المسطور معمول و مرتب داشته نگذارد که حکام دارالمؤمنین مزبور بدان علت چیزی مطالبه و بازیافت نمایند و متعرض احوال ایشان گردند و امداد و اعانتی که در هر باب لازم باشد بعمل آورند و هرساله رقم مجدد طلب ندارند بتاریخ سنه ۱۱۳٦ کتبه المحروق بنارا لفراق[2] حاجی میر محمدعلی سبزواری(ماخذ: نگارندگان).



تصویر ۴: ورودی دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، متعلق به شاه‌طهماسب دوم (مأخذ: نگارندگان).

۱. الکا: سرزمین. رهر برن از الکا به مفهوم ایالت یاد می‌کند (برن، ۱۳۴۹: ۴۵).

۲. محروق به نار الفراق: محروق به نار الفراق حاجی میر محمدعلی سبزواری: کسی که از دورۀ شاه‌طهماسب دوم در آتش می‌سوزد (محتشم، ۵۵: ۱۳۸٦).

سنگ‌فرمان شمارۀ ۵: سنگ فرمان دالان شرقی در مسجدجامع سبزوار، معروف به التزام، فرمانی از محمدامین حاکم سبزوار به تاریخ ۱۱۳٦ق است. این کتیبه با هوالمراد آغاز می‌شود. محمدامین دستور نصب فرمان را بر دیوار مسجدجامع داده‌است و اعلام کرده که از این به بعد اگر از مردم سبزوار پول دریافت کنم ناصوفی اجاق کیوان رواق باشم. این فرمان با ابعاد ۲۲ در ۷۰ و ۱۸ سطر به خط ثلث بر سنگ نقر شده است (تصویر ۵).

فرمان شمارۀ ۵

صادرکنندۀ فرمان: محمدامین

تاریخ صدور: ۱۱۳٦ق، محل نصب: مسجدجامع سبزوار

متن:

هوالمراد

مقرر شد آنکه چون پریشانی و اختلال اوضاع رعایا و سکنه متوطنین بلده و بلوکات دارالمؤمنین سبزوار بسبب تاخت و تاراج اوزبکیه شومیه و افاغنه ملا و غیره مخالفین دین ظاهر و ساطع است لهذا بنا بر تحصیل دعای خیر جهت ذات اقدس و وجود مقدس هر که جان ما غلامان فدای تراب اقدس مبارکش باد وجوه پیشکش که حکام سابق از رعایا توقع می‌نموده‌اند برعایای الکا مذکور بخشیدند که رعایا مرفه الحال بفراغ بال بدعاگویی دوام دولت ابد (خوانده نشد) مدت و بیچارگی و درویشی خود قیام و اقدام ننمایند و بعد اگر احدی از عجزه اینولایت وجوه مذکور را توقع نماید نا صوفی (یک کلمه خوانده نشد) اوجاق کیوان رواق[1] خواهد بود کدخدایان و رعایای الکا مذکور من‌جمیع‌الجهات مستمال[2] و امیدوار باشند و بدین علت دیناری باحدی نخواهند داد و در عهده شناسند مقرر آنکه من‌بعد اگر این بنده درگاه توقعی باخذ وجوه نمایم نا صوفی اوجاق کیوان مدار باشم(جمله پایانی در سنگ از بین رفته است: تحریراً فی شهر ذی‌قعده سنه ۱۱۳٦ حریر العبد محمدامین (اعتمادالسلطنه، ۱۳٦۳/ ۳: ۲۰۷).



تصویر ٦: ورودی دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، متعلق به محمدامین حاکم سبزوار (مأخذ: نگارندگان)

۱. ناصوفی اجاق کیوان روان: روان یا رواق به علت فرسایش خوانده نشد، در بعضی منابع رواق ذکر شده است. اصطلاح صوفی که بیانگر رابطه‌ای میان مرشد و مرید بود. من‌بعد این بنده درگاه توقعی باخذ وجوه نمایم ناصوفی اجاق کیوان رواق باشم. خود را ناصوفی خطاب می‌کند اگر پولی از مردم سبزوار بگیرد. اجاق: با توجه به سنگ فرمان حسنعلی زنگنه در مسجد جامع سبزوار که مفقودشده و از اعتمادالسلطنه نقل می‌گردد به معنای تنور یا همان اجاق واقعی است. رواق: پیشگاه خانۀا منزل به کیوان تشبیه شده است. کیوان: ستاره زحل، چون در آسمان است بلند است. آستان درگاه پادشاهی شاه چون کیوان بلند است (ستاره‌ی زهل چون در آسمان است، بلند است) و کیوان مدار در جمله آخر هم می‌تواند معنای مرکزیت و هسته جهان را بدهد (مأخذ: نگارندگان).

۲. مستمال: تسلی و دل‌آسا نموده شده، کسی که دل او را به دست آورده باشند (دهخدا، ۱۳۷۷/۱۳: ۲۰۹۱۸).

سنگ‌فرمان شمارۀ ٦: سنگ فرمان دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، فرمانی از حسنعلی زنگنه (مفقود، نقل از اعتمادالسلطنه، ٣/١٣٦٣: ٢٠٦)، تاریخ فرمان ١١٢٥ق، مضمون فرمان: منع پیشکش ورود.

متن:

متن: بسم‌الله علی بن ابیطالب ولی‌نعمت عالم چون پیوسته منظور نظر بنده درگاه حسنعلی زنگنه تحصیل دعای خیر به جهه ذات اقدس خدیو زمین و زمان که جان ما غلامان فدایش باد و ترفیه حال و رعایا و برایا و عجزه و ساکنین می‌باشد. بنا علیه پیشکش معمولی ورود ایالت سبزوار به تخفیف تصدق فرق فرقدان که جان‌ها به قربانش باد نموده بخشیدیم که رعایا و برایا به رفاه حال و فراغ بال به دعاگویی ذات اقدس و وجود مقدس مشغول باشند. ناصوفی و نمک به حرام اجاق کیوان رواق حضرت امیرالمؤمنین باشد هر حاکمی که من‌بعد طمع و توقع پیکش نموده به صیغه‌ی مذکور دیناری بر رعایای دارالمؤمنین مزبور حواله نماید. تحریر شهر ذی‌القعده سنه ١١٢٥(اعتمادالسلطنه، ١٣٦٣/ ٣: ٢٠٧).



تصویر ٦: سه سنگ کنار هم، ورودی دالان شرقی مسجدجامع سبزوار، به ترتیب از سمت راست: سنگ فرمان شاه‌طهماسب دوم و شاه‌طهماسب اول و محمدامین (مأخذ: نگارندگان)

سنگ‌فرمان تربت‌جام

مقبره شاه قاسم انوار تربت‌جام: شاه‌قاسم انوار از مشاهیر عرفا و از مریدان شیخ صدرالدین‌بن‌شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی است؛ برخی می‌گویند ابتدا به شیخ صدرالدین‌علی‌یمنی ارادت داشته است. او بعد از کسب فضایل صوری و معنوی از آذربایجان به گیلان و ازآنجا به خراسان رفت؛ مدتی نیز در هرات اقامت داشت و بعد از هرات به سمرقند رفت و سرانجام در قصبۀ لنگر از توابع جام در سال هشتصد و سی و هفت وفات یافت (اعتمادالسلطنه، ١٣٦٣: ٦٦٦). مقبره شاه‌قاسم انوار بیست متر و شصت سانتی‌متر عرض و بیست و چهار متر و هشتاد سانتی‌متر طول دارد. در سمت راست ایوان قبری وجود دارد که به گفته اهالی، متعلق به فرزند شاه‌قاسم انوار است. در اطراف بقعه قبرهای فراوانی متعلق به مردم جام دیده می‌شود. ایوان جنوبی مقبره در گذشته مسجدجامع بوده که اکنون ویران شده است؛ سنگ‌فرمان شاه صفی به تاریخ ١٠٤٦ق بر دیوار ایوان قرار داشته است (تصویر ٧). در حال حاضر این سنگ‌فرمان در موزۀ مردم‌شناسی نگهداری می‌شود (تصویر ٨). در گذشته شلیک تیر به سنگ باعث شده که حروف بعضی از کلمات مغشوش شود (مولوی، ١٣٨٢: ٢٣).

سنگ‌فرمان تربت‌جام

سنگ‌فرمان شمارۀ ٧: این فرمان به دستور شاه‌صفی و در تاریخ ١٠٤٦ق صادر شده است. مضمون فرمان: تخفیف مالیاتی به جماعت‌ها و مشاغل است که هفت گروه از مردم جام را در برمی‌گرفت. این فرمان تنوع قومی دولت صفوی را نشان می‌دهد که علاوه بر دو نژاد ترک و ایرانی، از گرجیان، ارمنیان و چرکس‌ها نیز که در دولت صفوی قدرت گرفتند سخن به میان آمده است. بخش وسیعی از جمعیت تربت‌جام را جامی‌ها تشکیل می‌دادند که مهاجرینی از سرزمین‌های اطراف نیز به آن اضافه شده بودند (فرهنگ جغرافیایی ایران خراسان، ١٣٨٤: ٢١٨). متن این فرمان با توجه به شرایط نگهداری و آسیب‌هایی که دیده، خوانا نیست. آخرین بازخوانی این فرمان توسط تاج‌محمدی کارشناس میراث فرهنگی تربت‌جام انجام شده است. این

فرمان با خط نستعلیق در ابعاد ٦٥ در ١٢٣ در ٢٠ سطر بر سنگ نقر شده است.

شمارۀ ۷

صادرکنندۀ فرمان: شاه صفی

تاریخ صدور: ۱۰۴۶ق، محل نصب: مقبرۀ شاه قاسم انوار (در حال حاضر میراث فرهنگی تربت‌جام).

متن:

فرمان همایون شد آن‌که چون پیوسته مکنون خاطر مهر مآثر نواب همایون آن‌است که در زمان دولت ابد پیوند و عهد خلافت ارجمند آثار خیر و احسان در میان طوایف انسان منتشر گردد و کافه رعایا و عامه برایا از مراحم بی‌دریغ خسروانه بهره‌مند گشته باکمال رفاهیت و آسوده‌گی در مهد امن و امان غنوده به دعای دوام دولت روزافزون و سلطنت ابد مقرون قیام نمایند. بنابراین در معامله سیچقان‌ئیل مال و جهات و حقوق دیوانی جماعت مذکوره ضمن رعایای مملکت محروسه را [...] کاولیان[1] و لولیان[2] و بیدقان[3] مشهور به خطیران و حسن ابدال‌لو و بغدادلو و توابع که مقرر است از عهده حقوق دیوانی خود بیرون آیند و قید همه‌ساله به تخفیف و تصدق فرمودیم. کلانتر و عمال و مستأجر همه‌ساله[4] الکا جام حسب المسطور مقرر دانسته از تاریخ مذکور ضمن یک دینار به‌هیچ‌وجه من‌الوجوه به علت مال و حقوق دیوانی جماعت مذکور ضمن رعایای رعیت خانه طلب ننموده مزاحمت نرسانند و جار نموده و جمیع رعایا بلده و بلوکات را خبر رسانند که مطلع گردند که مالیه‌شان به تخفیف و تصدق مقررشده و صورت حکم همایون را بر سنگ نقش نموده و در مسجد جامع نصب نمایند و تغییر کننده را مورد غضب شاهانه شناسند که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اشرف اعلی عاید گردد و همه‌ساله داران و مستأجران وجوه مذکوره به شرح فوق عمل نموده از تاریخ ورود پروانچه اشرف یک دینار به علت مال و حقوق دیوانی جماعت مذکوره ضمن متعلق به رعیت‌خانه که به اجاره و به همه‌ساله ایشان مقرر است. بازیافت نکرده طلب ننمایند و از اجاره خود بر طرف دانند و اگر جماعت کاولیان و غیره که مالیه ایشان به تخفیف مقرر است احدی بامر دشتبانی[5] و غیر او که به‌موجب ضمن به تخفیف مقرر است اشتغال نماید به علت مالیه و حقوق دیوانی او که به تخفیف مقرر است طلب نکرده آنچه به علت مال و حقوق کاولی‌گری و غیره متوجه ایشان باشد موافق حق و حساب بازیافت نمایند. وزارت و رفعت پناه و عزت و معانی دستگاه آصفی خواجه جلالابیگای وزیر خراسان چون مالیه جماعت مذکوره زارع و تمامی رعیت‌خانه به تخفیف رسیده مشخص نمایند که ازجمله رعیت‌خانه الگای مذکور جماعت کولیان و لولیان و جماعت هندویان و جماعت ابدال‌لو و جماعت بغدادلو و توابع چه مبلغ رسد جماعت ظهر است که به تخفیف مقرر شده و چه مبلغ رسد جماعت فوق که به تخفیف مقرر شد نسخه و منقحه[6] برسد جماعات به تخفیف مقرر ثبت درست دارند و به دفترخانه همایون فرستند که مستوفیان عظام بعد از عرض از آن قرار در دفاتر عمل نمایند. اگر با ورود حکم اشرف مستأجر و همه‌ساله‌دار به علت رسد جمع که به تخفیف مقرر شده در سیچقان‌ئیل چیزی گرفته باشد نسخه او را به دفاترخانه همایون فرستد که از آن قرار جمع شده به همه‌ساله حساب شود آنچه کسر نمایند بعد از عرض عوض دهند همه‌ساله‌داران و مستأجران وجوه رعیت‌خانه الگای مذکور از تاریخ صدور پروانچه اشرف به شرح فوق عمل نموده به علت رسد جمیع که به تخفیف مقرر شده طلب ننمایند و رسد جمعی که به تخفیف مقرر نشده بدانچه وزیر خراسان مشخص سازد و تصدیق دفتر ستم امارت داشته باشد از آن قرار داد طلب اگر چیزی کسر نمایند و تصدیق وزیر گرفته به دیوان آورد. مستوفیان عظام این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون شناسند و آنچه به علت

١. کاولیان: از اهل کابل (دهخدا، ١٣٧٧: ١٢/ ٦٧).

٢. لولی: سرودگوی کوچه‌ها و گدای در خانه‌ها و در هندوستان زن فاحشه و قحبه را گویند (معین، ١٣٨٥: ٨٣).

٣. بیدق: راهنما در سفر (همان).

٤. مستأجر همه‌ساله: کسانی که به مدت یک سال یا به مدتی طولانی‌تر تیول به آنان داده می‌شد و همچنین صاحبان سیورغال (تیول‌های موروثی و غیر ارثی از محل زمین‌های بایر یا زمین‌های خالصه که همراه با پاره‌ای از معافیت‌های مالیاتی بوده است). مشمول پرداخت عوارض مخصوصی بودند (لمتون، ١٣٦٢: ٢٤٢، ٢٣٢).

٥. دشتبان: نگاهبان دشت (دهخدا، ١٣٧٧: ٧/ ١٠٩٠١).

٦. منقح: تهذیب شده، اصلاح کردن (دهخدا، ١٣٧٧: ١٢/ ١٢٠).

مالیه جماعت ظهر باشد از دفتر اخراج نمایند و رسد جمعی که به تخفیف مقرر نشده از آنچه وزیر خراسان مشخص نمایند در این باب غدغنی دانسته و در عهده دانند و چون پروانچه ظهر رسد... سنه ۱۰۴۶. جماعت فراشان[1] و کهنه‌چینان[2]، جماعت گاوکشنده و چوپانان، جماعت ماماچه‌گان[3] و مشاطه‌گان[4] جماعت مغنیان[5] و لولیان، جماعت شبانان و سودمالان[6]، جماعت ترک‌طیبان و شکیمان (مولوی، ۱۳۸۲: ۲۴).



تصویر ۷: نمای ایوان جنوبی مقبره قاسم انوار و محل نصب قبلی سنگ فرمان شاه صفی (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۸: سنگ فرمان شاه‌صفی، محل نگهداری فعلی سنگ‌فرمان موزه مردم‌شناسی میراث فرهنگی تربت‌جام (مأخذ: نگارندگان).

سنگ‌فرمان‌های مشهد

---

۱. فراش: مستخدم اداره‌ی دولتی به‌ویژه مدارس. جاروکش حرم و صحن مقدس. فراش: آنکه فرش و بساط را گسترد.(دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۷/۱۲).

۲. کهنه‌چین: آنکه از کوچه‌ها قطعات کهنه گردکند تا از آن جامه کند یا جامه را پیوند کند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۵/۱۲). کهنه‌چینی شغل تخت گیوه درست کردن است (بیدگلی، ۱۳۸۷: ۵۶).

۳. ماماچه: قابله را گویند. مادر کوچک (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/ ۲۰۰۶)

٤. مشاطه: بزک کننده و آرایش کننده‌ی عروس (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/ ۲۰۹۱۸).

٥. مغنیان: خواننده، خنیاگر، نوایی، قوال، آوازه‌خوان (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/ ۲۱۲۳۹).

٦. سودمالان: شودمالان، شودمالی: شغل آهاردادن منسوجات است (بیدگلی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

مدرسهٔ عباسقلی‌خان مشهد: این مدرسه اکنون در خیابان شهید نواب صفوی و کنار حرم قرار دارد و از مدارس حوزهٔ علمیه مشهد است. این مدرسه در دو طبقه و با نقشه چهار-ایوانی بنا شده است. ساخت این بنا در سال ۱۰۷۷ق به پایان رسید؛ بانی آن عباسقلی‌خان، بیگلربیگی خراسان در زمان شاه‌سلیمان صفوی است (اللهوردیان طوسی، ۱۳۷۱: ٦٦).

سنگ‌فرمان شمارهٔ ۸: فرمان شاه‌سلیمان صفوی، به تاریخ ۱۰۷۷ق؛ مضمون این فرمان: توجه شاه‌سلیمان به درخواست عباسقلی‌خان است که تمام اموال و عایدات مدرسه را به عباسقلی‌خان و خاندان او بخشیده است (تصویر ۹). این سنگ‌فرمان به خط نستعلیق با ابعاد ۱۳۰ در ۱۱۰ در ۸ سطر نگاشته شده است و خاتمهٔ آن با شعری در مدح شاه سلیمان به پایان می‌رسد.

شمارهٔ: ۸

صادرکننده فرمان: شاه سلیمان

تاریخ صدور: ۱۰۷۷ق محل نصب: مدرسه عباسقلی‌خان مشهد

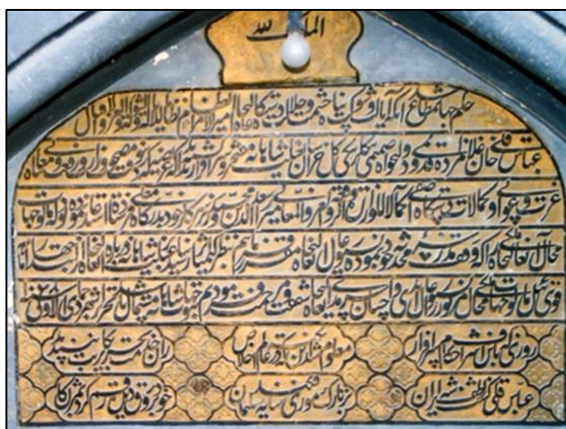
متن:

الملک‌الله حکم جهان‌مطاع شد آنکه ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه امیرالامرا العظام نظاماً للایاله و الشوکه و العزو الأقبال عباس‌قلی‌خان غلامزاده قدیمی و دولتخواه صمیمی بیگلربیگی کل خراسان بعنایت شاهانه مفتخر و سرافراز گشته بداند که عریضه که در اینوقت مصحوب وزارت و رفعت و معالی پناه عزت و عوالی و کمالات دستگاه آصفی کمالا للوزرا و الرفعه و العزو المعالی میرزا سعدالدین محمد وزیر سرکار خود بدرگاه معلی فرستاده استدعا نموده بود که مالوجهات محال مِلکی انعالیجاه ملکی را که وقف مدرسه محدثه خود نموده بسیورغال[1] آن‌عالیجاه مقرر فرماییم بنظر کیمیا اثر رسید عنایت شاهانه دربارهٔ آن‌عالیجاه از ابتدای چهار ماه قوی‌ئیل مالوجهات ملکی محال مزبوره را بسیورغال ابدی و احسان سرمدی ان عالیجاه شفقت و مرحمت فرمودیم بتوجهات شاهانه مستمال باشد تحریراً شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۰۷۷(اعتمادالسلطنه سال ۱۰۷۷ و بر سنگ‌فرمان سال ۱۰۷۸).

روزی که باین اشرف احکام سرافراز عباسقلی کشت ز لطف شه ایران معلوم شد

بر تارک موری فکند سایه سلیمان (بر سنگ کنونی، «معلوم شد این نکته که در عالم اخلاص» نقر شده است)

زان خدمت تحریر بکتابت نپسندید خود بر ورق دیده رقم کرد بمژگان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳/۲٦۰).



تصویر ۹: فرمان شاه‌سلیمان، سردر مدرسه‌ی عباسقلی‌خان مشهد (پسندیده، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

کاروانسرای شاهوردی‌خانی: یکی از مجموعه‌های ارزشمند که در اختیار ادارهٔ اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس قرار دارد، اسناد خانواده شاهوردی‌خان است که از خانواده‌های متکمن و بانفوذ دوره‌های افشار و قاجار در مشهد بوده‌اند.

۱. سیورغال: انعام. عواید زمین که به‌جای حقوق و مستمری به اشخاص بخشند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/ ۲۰۲٦).

این اسناد به‌ویژه از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است (حدود ۲۰۰۰ برگ) (یحیایی، ۱۳۸۱: ۱۹۳). سرسلسلهٔ این خاندان، شاهوردی‌بیگ معروف به شاهوردی‌خان از رجال عصر شاه‌سلیمان صفوی در سال ۱۰۹۱ق، یک‌باب کاروانسرا، یازده‌باب مغازه و یک‌باب حمام را در مشهد (در خیابان سفلی) وقف نموده است (همان: ۱۹۴).

سنگ‌فرمان شمارهٔ ۹: سنگ فرمان شاه‌سلیمان صفوی به تاریخ ۱۰۹۱ق (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳/ ۲۶۴)؛ این فرمان به مناسبت زمان آغاز بنای وقفی صادر شده و خطاب به شاهوردی‌بیگ است که کاروانسرا، دکان‌ها و حمام را وقف زوار کرده و اخراجات، حق‌التولیه و حقوق واقف را مشخص کرده است و مابقی را جهت خرج زوار ناتوان به عهده متولی نهاده است. این کتیبه به خط نستعلیق بوده و با نام کاتب و سنگ‌تراش به پایان می‌رسد. در حال حاضر این کاروانسرا تخریب‌شده و سنگ‌فرمان آن مفقود است.

شمارهٔ: ۹

صادرکنندهٔ فرمان: شاه سلیمان

تاریخ صدور: ۱۰۹۱ق، محل نصب: کاروانسرای شاهوردی خان مشهد

متن:

بعد از حمد و ثنا در این هنگام خجسته آغاز فرخنده انجام بمؤدای ذلک فضل‌اللهٔیؤتیه من یشآء از مکرمت‌های عنایت ازلی و مرحمت‌های بی‌غایت توفیق لم‌یزلی به برکت الطاف نمایان شاهنشاهی و میمنت اعطاف حضرت ظل‌اللهی شاه دین‌پناه و خسرو انجم سپاه ملجأ خواتین با تخت و دیهیم ملاذ خسروان هفت‌اقلیم سلطان سلطان نشان و خاقان کتبی ستان السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان المؤید بالنصر و الفتح و الامان السلطان شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادر خان قره‌العین سلسله. نور حدقه عصمت و نامداری نور حدیقه شوکت و بختیاری نایب مناب و خلف الصدق نواب مستطاب امیرالامرائی خان و... شان کلبعلی‌خان سیل سپر بیگلربیگی مشهد مقدس و قورچی باشی اعنی غصن دوحه‌ی اصالت و دره اصداف جلالت امیرزادهٔ اعظم شاه‌ویردی‌بیک باتبغآء وجه کریم ذی‌الجلال و استرضای رضای ایزد متعال در ریعان شباب که ابان تحصیل مآرب است انصرف مال صرف مآل خود فرموده این کاروانسرا و دکاکین و حمام متصل بازار که از باب شهرت مستغنی از توصیف و تجدید است وقف زوار بارگاه خلایق پناه سلطان سریر ارتضا زینت‌افزای اورنگ خلافت کبری به‌حکم انما یرید الله لیذهب عنکم الرجاهل البیت و یطهرکم تطهیراً سلطان الثقلین ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا علیهما التحیه ولثنا نمود بقید آنکه اولاً آنچه فاضل منافع آن باشد بعد از وضع اخراجات ضروری و حق‌لتولیه و مبلغ پنج تومان وظیفهٔ هرساله فراش... فتیلهٔ عنبرسوز که منصوب بربالای سر مبارک در تحت قبهٔ مبارکه عطرسای دماغ خدام ملایک مقام است و پنج‌تومان وظیفهٔ هرساله فراش شمع دارالسیاده و حافظ سرقبر واقف معزی‌الیه که فراشی مشموع و حافظی سرقبر هر دو با یکنفر است و هر یوم پنج استار فتیله عنبر و سی استار فتیلهٔ شمع پیه که مفصلاً در وقف‌نامچهٔ معتبرهٔ علیحده و دفاتر سرکار موهبت آثار ثبت است می‌شده باشد و بعدذلک مابقی منافع صرف مدد خرج زوار شود بدین دستور که هریک از زایرین مسافرین را که بحکم احتیاج در دیار فقر صاحب تاج و بوفور ناتوانی در عالم مسکنت توانگر باشد یا به عروض امراض و علل از عود به مسکن دور ماند هریک را از پنج هزار دینار تبریزی تا یک‌تومان باختیار متولی بطریق مألوف رعایت این سبیل نمایند و تولیت این موقوفات مادام الحیات باجناب واقف موفق و من‌بعد با ولاد و تا توالد و تناسل باشد که خمس حاصل را برداشته و مابقی را به تفصیل مذکور به مصرف رسانند و بعد ذلک تعلق به متولی سرکار فیض آثار داشته که عشر حاصل را حق التولیه برداشته مابقی را به مصرف رسانیده باشند وقفاً شرعیاً مؤبداً به سعی عالی‌حضرت اقآئی عزت پناه اتمام پذیرفت کتبه محمدخان فراش عمل محمد شفیع سنه ۱۰۹۱ (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳/۳: ۲۶۳ و ۲۶۴).

دسته بندی موضوعی فرمان‌های بررسی شده

در این پژوهش فرمان‌های دوره صفوی شهرهای نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد موردبررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در این فرمان‌ها، مسائل اقتصادی و اجتماعی و سپس موضوعات مذهبی و نظامی است (نمودار شماره ۱). علاوه بر این،

القاب، عناوین و مناصب دولتی و اداری، مشاغل مردمی و طبقات اجتماعی، بخش دیگری از اطلاعات این اسناد را تشکیل می‌دهد (جدول ۲). باتوجه به موضوعات ذکر شده در این فرمان‌ها آنها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

موضوعات مذهبی-اجتماعی

منع برخی سنت‌های مذهبی-اجتماعی: از مجموع ۹ فرمان موردبحث، یک سنگ‌فرمان متعلق به شاه‌طهماسب اول (شهر سبزوار) است. در این فرمان آمده که برای غسل و دفن اموات مزد دریافت نشود و امر به واجب کفایی بودن دفن و غسالی به عمال و غسالان صادر شده است تا به دستور شاه طبق شریعت عمل کرده باشند و ثواب آن را به چهارده معصوم هدیه کرده و دستور داده است که در باب این موضوع، غسال‌ها و گورکنان سبزوار هرسال حکم مجدد طلب نکنند. این مسئله نشان‌می‌دهد که در شهر سبزوار برخلاف شهرتش به دارالمؤمنین تا قبل از این فرمان بابت غسل و دفن مردگان مزد دریافت می‌شده و به دستور شاه‌طهماسب از این تاریخ به بعد گرفتن اجرت بابت غسل و دفن مردگان شیعه نامشروع اعلام شده‌است (فرمان شماره ۳) (جدول ۲ و ۳).

وقف: سنگ‌فرمان شاه‌سلیمان (۱۰۹۱ق)، این فرمان که به مناسبت آغاز ساخت بنای وقفی امیر شاهوردی‌بیگ صادر شده‌است؛ درنتیجه کاروانسرا، دکان‌ها و حمام متصل به بازار را وقف زوار کرده است و مشخصات وقف و حق‌التولیه را مشخص کرده‌است (فرمان شماره ۹) (جدول ۲ و ۳).

موضوعات نظامی

منع ورود مأمورین نظامی و سپاهیان به خانه‌های مردم: در مسجدجامع نیشابور طبق فرمان شمارۀ ۲ متعلق به شاه‌عباس اول (۱۰۲۱ق) که در واقع دو فرمان در یک کتیبه آورده شده‌است؛ با نام بردن گروه‌های نظامی همچون غورچیان، غازیان، ملازمان، غلامان و غیره، از ورود و سکونت آن‌ها در خانه‌های مردم نیشابور منع شده‌است. (فرمان شماره ۲) (جدول ۲ و ۳). مشابه این فرمان در سنگ‌نوشته صفوی مسجدجامع اصفهان دیده‌می‌شود که فاقد نام و تاریخ صدور بوده و موضوع آن ممنوعیت ورود وابستگان و مستخدمان حکومتی به خانۀ مردم است. همچنین سنگ‌نوشته شاه‌سلطان‌حسین در مسجدجامع یزد به تاریخ ۱۱۱۵ق در مورد رفع تکلیف ملازمت بر مردم یزد است که از طرف مین‌باشی، یوزباشیان تفنگچی و توپچی بر مردم یزد خصوصاً جماعت شعربافان تحمیل می‌شد، سخن گفته شده‌است (بیدگلی، ۱۳۸۶: ۸۷، ٦٤). در دورۀ صفوی برخی باج‌ستانی‌ها و تعدی‌ها از جانب مأمورین نظامی حکومت بر مردم تحمیل می‌گردید و اعتراض و شکایت‌های عموم مردم به حکومت موجب صدور چنین فرمان‌هایی شده‌است (کریمیان و بیدگلی، ۱۳۸۷: ۷).

موضوعات اقتصادی

یکی از موضوعات مهم ذکر شده در فرمان‌های موردبررسی، موضوعات اقتصادی است. از مجموع ۹ فرمان، تعداد ۷ عدد از آن‌ها درارتباط با مسائل اقتصادی است و این موضوع ۷۰ درصد از کل سنگ‌فرمان‌ها را تشکیل می‌دهد (نمودار ۱ و ۲).

تخفیف مالیاتی: در فرمان شمارۀ ۱ شاه‌عباس اول به تاریخ ۱۰۲۱ق ذکر شده که باتوجه به پریشان احوالی مردم نیشابور، شاه‌عباس اول دستور تخفیف مالیاتی را برای اصناف محترفه نیشابور صادر کرده‌است و به حکام و داروغگان و کلانتران نیشابور امر کرده که دینار و یک‌من بار را از مردم طلب نکنند. طبق فرمان شمارۀ ۸ متعلق به شاه‌سلیمان به تاریخ ۱۰۷۷ق آمده است که تمام عایدات مدرسۀ احداث شدۀ عباسقلی‌خان به وی و خاندان او می‌رسد. این فرمان در پاسخ به درخواستی که عباسقلی‌خان از شاه‌سلیمان داشته، صادر شده است. طبق فرمان شمارۀ ۷ از شاه‌صفی به تاریخ ۱۰۴۶ق، به کلانتر و عمال مقرر داشته که از جماعت‌های ذکرشده در سنگ‌فرمان دیناری طلب نکنند. این فرمان در حمایت از طبقات و اقشار تربت‌جام صادر شده و جماعت فراشان، کهنه‌چینان، گاو کشنده، چوپانان، ماماچگان، مشاطه‌گان، مغنیان، لولیان، شبانان، سودمالان، ترک‌طبیبان، شکیمان را مشمول تخفیف مالیاتی کرده‌است. به‌نظر می‌رسد این طبقات جزء اقشار ضعیف جامعه بوده‌اند (جدول ۲ و ۳).

تخفیف مالیاتی، منع وصول باج و خراج: در فرمان شمارۀ ۴ از شاه‌طهماسب دوم به تاریخ (۱۱۳٦ق آمده‌است که باتوجه به آسیب‌هایی که افغان، بلوچ و ترکمانان به مردم سبزوار وارد کرده‌اند، از حاکم شهر خواسته شده که از مردم پیشکش ورود

دریافت نکند و از بیگلربیگان خواسته‌شده که در باب این موضوع بر حاکم سبزوار نظارت داشته باشد. به‌نظرمی‌رسد این فرمان درنتیجه شکایات مردم صادر شده‌است. باتوجه به تاریخ این فرمان و سال ورود شاه‌طهماسب به خراسان (۱۱۳۹ق)، این فرمان در زمانی‌که شاه در سبزوار نبوده صادر شده‌است و باتوجه به ذکر صدماتی که افغان‌ها، بلوچان و ترکمانان به سبزوار و نواحی اطراف رسانده‌اند و تصرف خراسان توسط ملک محمود سیستانی شاید شاه‌طهماسب اول می‌خواسته با این فرمان زمینه را برای فراهم کردن لشکری جهت جنگ با مخالفان آماده کند (محتشم، ۱۳۸۶: ۵۴) (جدول ۲ و ۳).

منع پیشکش ورود: فرمان شمارۀ ۵ متعلق به محمدامین، حاکم سبزوار به تاریخ ۱۱۳۶ق است. در این فرمان محمد-امین خود را ملزم به اجرای فرمان شاه‌طهماسب دانسته و وجوهاتی که حکام سابق به عنوان پیشکش ورود از مردم دریافت می‌کردند را به رعایای سبزوار بخشیده و خود را موظف دانسته که دیناری از مردم دریافت نکند. این سنگ معروف به التزام در کنار سنگ‌فرمان شاه‌طهماسب‌دوم نصب شده است. در فرمان شمارۀ ٦ از حسنعلی زنگنه (فاقد تاریخ) در مسجد سبزوار، دستور به تخفیف پیشکش ورود به سبزوار داده شده‌است.

تخفیف دروازه‌بانی: در فرمان شمارۀ ۲ از شاه‌عباس اول به تاریخ ۱۰۲۱ق، دستور تخفیف دروازه‌بانی شهر نیشابور داده شده‌است و یک دینار و یک‌من بار برای تجار شامل این تخفیف شده است.

جدول ۲: معرفی موضوعات و مناصب دولتی، اداری، مشاغل و جوامع ذکر شده در سنگ‌فرمان‌ها (نیشابور، سبزوار، تربت‌جام و مشهد) (مأخذ: نگارندگان)

مناصب دولتی ذکرشده در سنگ‌فرمان‌ها	دستگاه اداری ذکرشده در سنگ‌فرمان‌ها	صاحبان مشاغل ذکرشده	طوایف ذکرشده در سنگ‌فرمان‌ها	اقوام ذکرشده در سنگ‌فرمان‌ها	موضوعات نظامی اشاره‌شده در سنگ‌فرمان‌ها	موضوعات اقتصادی ذکرشده در سنگ‌فرمان‌ها	موضوعات مذهبی
حکام، دیوان اعلی، مستوفی، داروغگان[1]، غازیان، غورچیان، غلامان، ملازمان، تیول و تیول‌داران،	دفاتر خلود، مالیات و حقوق‌دیوانی، نسخه و منقحه، مسوده، پروانچه، سواد پروانچه	غسالی و گورکنی[7]، جارچی[8]، زارع[9]، سودمال، شبان، فراش، کاولی، کهنه‌چین، لولی، ماماچه، مشاطه، مغنی	افغان، بلوچ، ترکمان، ازبکیه	کولیان، لولیان، هندویان، ابدال‌لو، بغدادلو و توابع	منع ورود سپاهیان به منازل مردم	تخفیف مالیاتی، تخفیف دروازه‌بانی برای تجار	واجب کفایی بودن غسل و دفن‌مردگان شیعه، وقف

۱. داروغگان: داروغه نماینده حاکم بوده و برای موارد کم‌اهمیت داروغه را به نمایندگی از طرف خود برگزیده بود که ضمناً به‌عنوان مأمور اجرا در محکمه خود وی نیز شرکت می‌جست. محدوده قرن یازدهم هجری، داروغه با فرمان شاه به کار خود منصوب می‌شد نه به‌حکم حاکم (برن، ۱۳۴۹: ۱۰۲).

۷. غسالی و گورکنی: غسال‌باشی حق داشت راجع به عزل و نصب مرده‌شوی (غسال) و گورکن اظهارنظر کند. او آن‌ها را برای استخدام معرفی می‌کرد که بعداً از سوی صدر تأیید می‌شدند. در هر شهر غسال‌باشی وجود داشت کند (فلور، ۱۳۸۱: ٤٦).

۸. جارچی: رئیس منادیان (جارچی) هیچ نقش قضایی نداشت چراکه وظیفه او صرفاً این بود که اخبار رسمی را آشکارا اعلام کند (فلور، ۱۳۸۱: ٧٤).

۹. زارع: از وسیع‌ترین طبقه تشکیل‌دهنده جامعه ایرانی بود. کشاورزان از آزادی فردی برخوردار، ولی از داشتن زمین محروم بودند یا زمین را اجاره می‌کردند یا با مالک نوعی شرکت داشتند (مینورسکی، ۱۳۳٤: ۳٤).

کدخدایان، سادات[1]، بیگلربیگان[2]، کلانتر[3]، وزیر[4]، صدر[5]، مستأجر و همه‌ساله‌دار							

جدول ۳: مشخصات ویژهٔ سنگ‌فرمان‌ها، موضوع و ارکان مختلف آن (مأخذ: نگارندگان)

نام	محل نصب	مقدمه جملات سرآغاز	شرح موضوع	خطاب[9]	خاتمه	نوع خط	ابعاد	تعداد سطر
شاه‌عباس اول	مسجد جامع نیشابور، سمت‌راست	ستایش، حمد و ثنا و لقب‌گذاری و ذکر عنوان‌های ابوالمعالیا نیشابوری. سپس:	تخفیف مالیاتی اصناف: یک دینار و یک من‌بار	حکام، داروغگان، کلانتران، عمال و مستوفیان	تصدیق رسمی مستوفیان دیوان اعلی در دفاتر خلود و از تاریخ مسوده پروانچ مؤکد به لعنت‌نامه	نستعلیق	۵۸×۱۰۴	۹

۱. سادات: حکومت‌هایی که به‌طورقطع در قرن دهم هجری مدتی توسط سادات اداره شده‌اند: حله با رماحیه، یزد و کاشان و جربادگان و شیراز، هرات‌رود، سرخس با زورآباد، قلعه داراب در شیروان، شال و مستان در قندهار، سبزوار، شوشتر، سمنان. در قرن یازدهم و دوازدهم هم ممکن است که وضع بر همین منوال بوده است (برن، ۱۳٤۹: ٤٦). به دلیل آن‌که خراسان به‌واسطه امام رضا(ع) آستان مقدسی محسوب می‌شد و هم اینکه شاهان صفوی، شاهانی مردم‌دار بودند، توجه خاصی نسبت به این منطقه داشتند. در دوره صفویه سبزوار به‌وسیله سادات اداره می‌شد (پارسادوست، ۱۳۷۷: ۸۲۵).

۲. بیگلربیگان: بیگلربیگان حکامی بودند که از مرکز تعیین می‌گشتند اما گاه در موارد بخصوص این سمت موروثی بود (مینورسکی، ۱۳۳٤: ۷۸)

۳. کلانتر: تعیین کدخدایان محلات و ریش‌سفیدان اصناف وظیفه کلانتر بود (فلور، ۱۳۸۱: ٥٤).

٤. وزیر: از طرف حکومت مرکزی در هر ولایت سه نفر مأمور منصوب می‌شدند. یکی از آن‌ها به «جانشین» معروف بود و پیوسته در مرکز ولایت با حاکم به سرمی‌برد. دومین «وزیر» یا ناظر ممیز و سومی «واقعه‌نویس» بود که وظیفه عمده او گزارش و همه وقایع به شاه بود. در واقع کار این مأموران در هر ولایت این بود که مراقب اعمال حاکم باشند و درصورتی‌که بخواهد برخلاف مصالح حکومت مرکزی کاری کند با او مخالفت ورزند (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۱۶-۲۱۵).

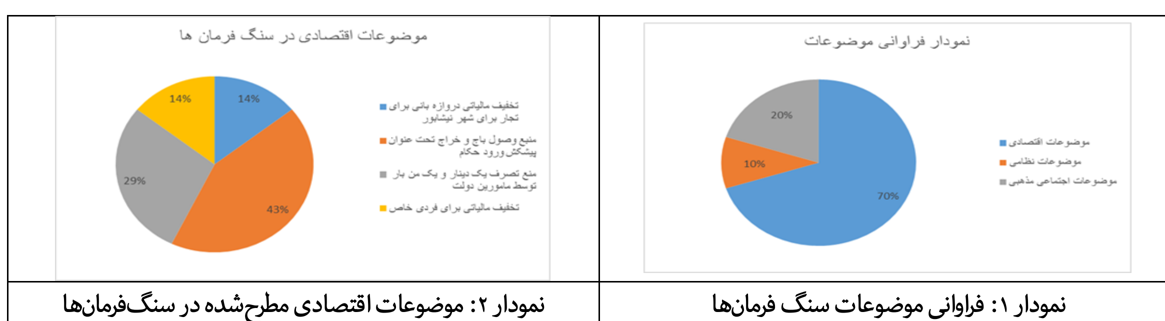
۵. صدر: وظیفه مقام صدر اداره و نظارت بر موقوفات و توزیع درآمدهای آن به‌منظور مصرف در موارد کاملاً مشخص مانند اعطا به نیازمندان و طلاب علوم دینی بود (فلور، ۱۳۸۱: ۱٤۰).

۹. سنگ‌فرمان‌های موردبررسی، مقامات، نظامیان و سایر مناصب دستگاه اداری صفوی و در مواردی با ذکر نام برای اجرایی شدن فرمان مورد خطاب پادشاه قرار می‌گرفتند و آن نظام موظف به اجرای دستور شاه می‌گردید. گاه این خطاب شامل لطف و مرحمت ملوکانه شاه به فردی خاص می‌شد مستند به‌فرمان شماره ۸ از شاه سلیمان به تاریخ ۱۰۷۷ق؛ عباسقلی‌خان بیگلربیگی کل خراسان را غلام‌زاده قدیمی و دولتخواه صمیمی می‌نامد و وی را از مالیات معاف می‌کند.

		حکم جهان‌مطاع شد			نمایند. تحریر ۱۰۲۱ق			
شاه‌عباس اول	مسجدجامع نیشابور سمت چپ	ستایش، حمد و ثنا سپس: حکم جهان مطاع شد و سپس فرمان دوم: حکم جهان مطاع شد	شرح دو موضوع: تخفیف دروازه‌بانی برای تجار: یک دینار و یک‌من بار و سپس: عدم نزول نظامیان به منازل رعایا و موظف نمودن حکام، داروغگان، تیول‌داران و عمال که اجازه تمرد به احدی ندهند.	حکام، داروغگان، تیول‌داران و مستوفیان	تصدق رسمی مستوفیان دیوان اعلی در دفاتر خلود، مؤکد به لعنت‌نامه ثبت نموده و به تیول عمل ننمایند. مؤکد به لعنت‌نامه و مستوفیان دیوان اعلی مسوده پروانچه نویسند در عهده دانند. تحریر ۱۰۲۱ق	نستعلیق	۵۸×۱۲۰	۷
طهماسب اول	مسجدجامع سبزوار	ستایش، حمد و ثنا تغییردهنده این حکم جهان مطاع به لعنت خدا و رسول گرفتار باد فرمان همایون شد	غسل و دفن اموات واجب کفایی است و دستور مبنی بر: رقم بر سنگ نقش نموده در محل مرتفع که عبور مردم باشد مؤکد به لعنت‌نامه نصب نمایند.	سادات، ارباب، اهالی و کدخدایان	هرساله که حکم مجدد طلب ندارند. تحریر ۹۷۹ق	ثلث	۵۴×۸۵	۸
طهماسب دوم	مسجدجامع سبزوار	هو الله بسم‌الله الرحمن الرحیم بنده شاه ولایت طهماسب ثانی	معاف پیشکش ورود به حکام سبزوار: یک دینار و یک-من بار	سرداران و بیگلربیگان خراسان و مشهد	هرساله رقم مجدد طلب ندارند. سنه ۱۱۳۶ق محروق به نار فراق حاجی	نستعلیق	۸۸×۳۰	۱۶

		حکم جهان مطاع شد			میر-محمدعلی سبزواری			
محمدامین	مسجد جامع سبزوار	هوالله	بخشیدن وجوه پیشکش ورود	-	بنده درگاه توقعی به-اخذ وجوه نمایم، ناصوفی اوجاق کیوان‌مدار باشم	ثلث	۷۰×۲۲	۱۸
حسن‌علی زنگنه	مسجدجامع سبزوار	بسم‌الله حمد و ثنا	بخشیدن پیشکش ورود	-	ناصوفی و نمک به‌حرام اجاق کیوان رواق حضرت امیرالمؤمنین باشد، حاکمی که توقع پیشکش نموده است.	-	-	-
شاه‌صفی	مقبره قاسم انوار تربت-جام	فرمان همایون شد	بخشیدن مال و جهات دیوانی جماعت‌های ذکرشده در فرمان و حکم باید بر سنگ نقر شده و در مسجد جامع نصب نمایند و ذکر القاب برای وزیر خراسان	کلانتران، عمال، مستأجر، همه‌ساله‌دار، وزیر خراسان و مستوفیان	تصدیق وزیر، مستوفیان ثبت در دفاتر خلود و در عهده دانند و چون پروانچه ظهر رسد. ۱۰۴۶ق	نستعلیق	۶۵×۱۲۳	۲۰
شاه سلیمان	مدرسه علمیه عباس‌قلی-خان مشهد	الملک‌الله حکم جهان مطاع شد ذکر القاب برای عباسقلی‌خان	دادن پاسخ مثبت به استدعای عباس‌قلی‌خان که مال و وجوهات ملکی وقف مدرسه به سیورغال ابدی مرحمت فرموده است.	عباس‌قلی‌خان	۱۰۷۷ق، شعر	نستعلیق	۱۳۰×۱۱۰	۸

شاه سلیمان	کاروانسرای شاهوردیخانی	حمد و ثنا و ذکر بیان هنگام خجسته آغاز بنای وقفی و املاکی که وقف زوار نموده و وضع اخراجات حق‌التولیه و خرج زوار	عشر حاصل را حق‌التولیه برداشته و مابقی را به مصرف رسانیده باشند وقفاً شرعیاً موبداً به سعی عالیحضرت آقایی عزت پناه اتمام پذیرفت	کلبعلی خان بیگلر بیگی مشهد، قورچی‌باشی و شاهوردی‌بیگ	کتب محمدخان فراش عمل محمد شفیع. ۱۰۹۱	نستعلیق	-	-



نمودار ۱: فراوانی موضوعات سنگ فرمان‌ها

نمودار ۲: موضوعات اقتصادی مطرح‌شده در سنگ‌فرمان‌ها

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که مطالعۀ اسناد و مکاتبات تاریخی، صلح‌نامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها در تحقیقات و بررسی‌های همه‌جانبۀ محققان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مطالعه این اسناد نقرشده حاوی اطلاعات مفیدی است. صرف‌نظر از جنبه تبلیغاتی این سنگ‌ها که به‌منظور ماندگاری آن‌ها در طول زمان، بر سنگ نقر شده‌اند و برای این‌که در معرض دید عموم باشند، در برخی از آن‌ها دستور داده شده که فرمان در پر رفت‌وآمدترین نقطه شهر نصب شود. در این سنگ‌فرمان‌ها به مسائل و موضوعات اجتماعی، نظامی و اقتصادی پرداخته شده است. اکثر سنگ‌فرمان‌های صادر شده از طرف شاهان و حکام صفوی همچون سنگ‌فرمان شاه‌عباس اول در مسجدجامع نیشابور، فرمان شاه‌طهماسب دوم در سبزوار، فرمان شاه صفی در تربت‌جام، فرمان محمدامین و حسن‌علی زنگنه در سبزوار، پیرامون موضوعات اقتصادی همچون بخشودگی یا تخفیف مالیاتی و تخفیف دروازه‌بانی است و توجه به وضعیت اقشار عامه را دربرمی‌گیرد. در این میان برخی سنگ فرمان‌ها همچون فرمان شاه‌طهماسب‌اول صفوی در مسجدجامع سبزوار و فرمان شاه‌سلیمان در سردر مدرسه عباسقلی‌خان و سنگ‌مفقود کاروانسرای شاهوردیخان به موضوعات اجتماعی-مذهبی اشاره دارد و پیرامون مسائلی همچون وقف و عدم دریافت حق کفن و دفن از مردم است. به‌نظر می‌رسد تخفیف و بخشش مالیاتی، در جهت رونق بخشیدن به تجارت این ناحیه بوده است. موقعیت جغرافیایی خراسان عاملی برای هجوم قبایل مختلف و بخصوص هجوم ازبکان به این ناحیه و قتل و چپاول مردم بوده است. این حملات اثرات سوء فراوانی برای مردم داشت. علاوه بر قتل و فجایعی که تاریخ‌نگاران بارها به آن اشاره‌کرده‌اند همچون قتل‌های سبزوار و مشهد؛ قحطی‌هایی که در شهرها در زمان محاصره رخ می‌داد، بر زندگی مردم این ناحیه، اثر فاحشی داشت و با توجه به کاهش جمعیت شهرها با این جنگ‌ها، بیشتر لشکرکشی‌ها در فصل برداشت محصول و در فصل مناسب لشکرکشی انجام می‌گرفت و در این بین بیشتر محصولات کشاورزی و زراعی از بین می‌رفت. این حملات از سمت شرق خراسان که دروازۀ ورود آن‌ها به ایران شده بود باعث می‌شد

که شاهان صفوی در یک سرگردانی سیاسی به سر برند و دائماً در حال لشکرکشی به سمت شرق و سمت غرب و یا سرکوب شورش‌های گاه‌به‌گاه داخلی باشند که این موضوع در اواخر دوره صفوی شدت می‌یابد. این مسائل سبب شد که اوضاع خراسان هرچه بیشتر با مسائل و مشکلات متعدد روبرو شود. باتوجه به اینکه مردم خراسان و ازبکان هردو مسلمان بودند؛ این‌گونه به‌نظر می‌رسد که اختلاف مذهب یک عامل مؤثر برای تهاجم، قتل و اسیر گرفتن توسط آنان بود و تعصبات دینی هر دو ملت به این مسئله دامن می‌زد. تبادل نامه‌های علمای مشهد با علمای ازبکان خود دلیلی بر این مدعا است. این تعصب در ارتباط با دولت عثمانی مشهود است. اختصاص تخفیف مالیاتی توسط شاهان صفوی در اکثر شهرهای مرکزی در جهت رونق بخشیدن تجارت این منطقه بوده است. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که درگیری‌های مداوم در ناحیه خراسان که همراه با کشته‌شدن نظامیان و غیرنظامیان بوده است و در متون بارها به آن اشاره‌شده، سبب کاهش رونق بازار شده است و تخفیف‌های مالیاتی به دستور شاهان صفوی به منظور رونق تجارت صادر شده است. مساجد جامع در این دوره، مکانی پر رفت‌وآمد و نقطه امن‌تری بود، زیرا کسبه و افراد عادی به آنجا رفت‌وآمد بیشتری داشته و برای نصب فرمان‌ها انتخاب شدند. درنتیجه ۹۰ درصد سنگ‌فرمان‌های شهرهای اصفهان، کاشان و یزد در مسجد است؛ چون مسجد در طول تاریخ صرفاً کارکرد مذهبی نداشت، بلکه محل بحث پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی بود؛ پس طبیعی است که مساجدجامع از محل‌های مهم هر شهر جهت نصب سنگ‌فرمان باشند و این جنبه دیگری را هم نشان می‌دهد و آن مسئله امنیت است و مساجد برای نصب سنگ‌فرمان مناسب بودند. برخی شاهان صفوی دستور نصب فرمان را در مساجد جامع داده‌اند؛ در غیراین‌صورت تعیین محل نصب فرمان بر عهده حاکم شهر بود. در سنگ‌فرمان شاه‌صفی در مقبره قاسم الانوار در تربت‌جام، صراحتاً ذکرشده که فرمان در مسجدجامع نصب شود. در سنگ‌فرمان شاه‌طهماسب اول در ورودی مسجد جامع سبزوار، دستور نصب آن در جایی مرتفع که در انظار عموم باشد، ذکر شده است. بیشترین خطی که در نگارش سنگ‌فرمان‌ها استفاده‌شده، خط نستعلیق است؛ به‌طوری‌که شش فرمان به خط نستعلیق است و دومین خط مورد استفاده خط ثلث است و دو فرمان به این خط نگارش شده است.

فهرست منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). ***مطلع الشمس***. ج۳. تهران: فرهنگسرا.

۲. افشار، ایرج. (۱۳۴۵). «کتیبه‌ای از قرن ششم در خرانق اطلاعی مهم از گذرگاه حضرت ثامن‌الائمه». ***یغما***. (شماره ۲۲۴)، ۶۵۲-۶۵۰.

۳. افشار، ایرج. (۱۳۶۱). «سه فرمان و یک حکم مربوط بهٔزد». ***فرهنگ ایران‌زمین***. (شماره ۲۵)، ۴۰۵-۳۹۶.

۴. اقتداری، احمد. (۱۳۴۳). «فرمانی از شاه‌طهماسب صفوی درباره صابخونه‌های تبریز». ***فرهنگ ایران‌زمین***. (شماره ۱۲)، ۳۲۲-۳۱۹.

۵. اللهوردیان‌طوسی، حسن. (۱۳۷۱). ***سفر به خراسان***. مشهد: کتابکده.

۶. برن، رهر. (۱۳۴۹). ***نظام ایالات در دورهٔ صفویه***. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۷. بوسه، هربرتف، (۱۳۶۷). ***پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقوینلو و صفوی***. ترجمه غلامرضا ورهرام. تهران: نقش‌جهان.

۸. بیدگلی، محبوبه‌سادات. (۱۳۸۶). «بررسی باستان‌شناختی سنگ‌نوشته‌های حکومتی دورهٔ صفویه در شهرهای مرکزی ایران». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه تهران.

۹. پارسادوست، منوچهر. (۱۳۷۷). ***شاه‌طهماسب اول***. تهران: سهامی انتشار.

۱۰. پسندیده، محمود. (۱۳۹۲). ***سه وقف‌نامه سنگی از مدارس علمیه مشهد***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۱. پسندیده، محمود. (۱۳۸۵). ***حوزه علمیه خراسان***. ج۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۲. تاج محمدی، عبدالرحیم. (۱۳۹۳). مزار شاه قاسم انوار. ***همایش بین‌المللی اندیشه‌ها، آثار و خدمات امیر علی شیر نوایی***. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۳. حسینی‌زاده مهرجردی، سعیده. (۱۳۹۲). «نگاهی توصیفی و تحلیلی به سنگ‌نبشته‌های موجود در مسجد جامع کبیر یزد». ***پژوهش هنر***. (شماره ۵)، ۶۶-۵۱.
۱۴. خسروی، محبوبه. (۱۳۸۸). «وقف نامه‌های سنگی خوانسار (سنگ‌نبشته‌ای موقوفات خوانسار)». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ۶۷)، ۴۱-۳۶.
۱۵. دانش‌یزدی، فاطمه. (۱۳۸۶). «تحلیل فرهنگ وقف در دوره صفوی (به استناد کتیبه‌های سنگی در بناهای اسلامی شهر یزد)». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ۶۰)، ۱۰۳-۸۰.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). ***لغت‌نامه دهخدا***. ج۱۳ تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. سمسار، محمدحسن. (۱۳۴۷). «اسناد و مکاتبات تاریخی: فرمان‌نویسی در دوره صفویه (۲)». ***بررسی‌های تاریخی***. (شماره ۱)، ۸۴-۵۹.
۱۸. سیدی، مهدی. (۱۳۷۳). ***کتاب پاژ (۱۴-۱۳)***. مشهد: روزنامه قدس.
۱۹. سیوری، راجر. م. (۱۳۸۲). ***تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی***. ترجمه عباسقلی‌فرد. تهران: سپهر.
۲۰. غفاری‌فرد، عباسقلی. (۱۳۷۶). ***روابط ایران و ازبکان (۱۳۰۱-۹۱۳ق)***. تهران: وزارت امور خارجه.
۲۱. ***فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور استان، خراسان رضوی، شهرستان سبزوار***. (۱۳۸۴). تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۲۲. فلور، ویلم. (۱۳۸۱). ***نظام قضایی عصر صفویه***. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۳. کریمیان، حسن؛ و محبوبه بیدگلی. (۱۳۸۷). «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمان‌های حکومتی منقور بر سنگ (مطالعه موردی: اصفهان، یزد و کاشان)». ***فرهنگ***. (شماره ۴)، ۲۵۵-۱۸۳.
۲۴. گرایلی، فریدون. (۱۳۷۴). ***نیشابور شهر فیروزه***. تهران: خاوران.
۲۵. لباف‌خانیکی، رجبعلی، (۱۳۷۳). ***کتاب پاژ (۱۴-۱۳)***. مشهد: روزنامه قدس.
۲۶. لمتون، ا. ک. س. (۱۳۶۲). ***مالک و زارع در ایران***. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷. محتشم، محمدرضا. (۱۳۸۶). ***مسجدی و بیهقی***. مشهد: جهانکده.
۲۸. معین، محمد. (۱۳۸۵). ***فرهنگ فارسی معین***. تهران: گلی.
۲۹. مولوی، عبدالحمید. (۱۳۸۲). ***آثار باستانی خراسان***. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۰. مینورسکی. ولادیمیرفئودوروویچ. (۱۳۳۴). ***سازمان اداری حکومت صفوی***. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انجمن کتاب.
۳۱. هینتس، والتر. (۱۳۶۱). ***تشکیل دولت ملی در ایران***. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: سهامی عام.
۳۲. یحیایی، رجبعلی. (۱۳۸۱)، ***معرفی مجموعه اسناد خانواده و موقوفه شاهوردی‌خان***. ج۱. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.